

## راهبردهای ایران در رویارویی با راهبرد مداخله‌جویانه قومی عربستان

سعید ساسانیان<sup>۱</sup>

ابراهیم حاجیانی<sup>۲</sup>

دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

تأیید مقاله: ۱۳۹۶/۱۱/۲۰

### چکیده

دولتها می‌کوشند تا با تولید ناامنی و بی‌ثباتی در مناسبات قومی کشور مقابل به اهداف خود دست یابند. ایران به‌لحاظ قومیتی، یکی از متکثرترین کشورها در منطقه است؛ با وجود این هویت و انسجام ملی در ایران طی این سالها اگرچه دستخوش تهدیداتی از ناحیه مداخله‌جویی رقیبان و دشمنان او قرار گرفت براین‌دی که اکنون قابل مشاهده است، نسبت به دیگر کشورهای پیرامونی، نسبتاً مطلوب است. در این میان عربستان می‌کوشد تا از برخی ضعفهای درونی جمهوری اسلامی ایران در حوزه قومیتها بهره‌جوید تا بتواند در عرصه معادلات منطقه‌ای، بخشی از فرایند مهار ایران را از درون، عملیاتی سازد. طبیعی است که ایران در رویارویی با چنین راهبردی از سوی ریاض، مجموعه راهبردهایی را باید مدنظر قرار دهد تا ضمن تقویت نقاط قوت و کاستن نقاط ضعف، بتواند از فرصتهای محیطی بهره‌برداری کند و تهدیدات را رفع سازد. رفع برخی ضعفهای داخلی از جمله محرومیت نسبی مناطق قومی‌نشین از جمله مهمترین مواردی است که می‌تواند رویارویی ایران را با عربستان در بلندمدت به سود ایران تغییر دهد. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی و بهره از روش تحلیل راهبردی SWOT در پی فهم مجموعه راهبردهایی در این زمینه است. در این تحلیل ایران در محیط داخلی با ۸ نقطه قوت و ۶ نقطه ضعف روبه‌روست و در محیط خارجی نیز ۶ فرصت و ۹ تهدید را پیش‌رو دارد. در نهایت از تلاقی دو به دوی قوتها و ضعفها با فرصتها و تهدیدها، ۳۸ راهبرد استخراج شد.

### کلید واژه‌ها

عربستان، بی‌ثباتی سیاسی، محرومیت نسبی، سیاست قومی، اقوام ایرانی.

۱ - نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مطالعات منطقه‌ای گرایش خاورمیانه دانشگاه جامع امام حسین(ع)

sasanian65@gmail.com

ebhajiani@gmail.com

۲ - دانشیار پژوهشکده تحقیقات راهبردی

## مقدمه

طی سالهای اخیر دو امر به صورت هم‌افزا موجب شده است تا برخی از رقبای و متخاصمان منطقه‌ای ایران به تلاشهای خود برای مهار قدرت ایران اقدام کنند. تحولات منطقه‌ای و بحرانهای متعددی که ایران هم در آنها حضور دارد و گفتگوهای هسته‌ای و نهایتاً برجام، رفتار رقبای و متخاصمان منطقه‌ای ایران را علیه این کشور تشدید کرده است. تلقی برخی بازیگران منطقه‌ای از برجام به‌گونه‌ای است که تلاش آنها را برای مهار ایران دو چندان ساخته است.

یکی از مهمترین مواردی که می‌تواند در وضعیت جدید منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران در دستور کار قرار گیرد، تحریک قومیتها در ایران با هدف برهم زدن ثبات داخلی، معطوف کردن توجهات مسئولان به درون، وادارسازی ایران به تحدید مرزهای امنیتی خود در قالب مرزهای جغرافیایی و در نتیجه، جلوگیری از ایفای نقش برجسته ایران در منطقه است. همه این موارد البته در نهایت، الهام‌بخشی ایران را تحت تأثیر قرار خواهد داد؛ چرا که تصویرسازی مخدوش و مصنوعی «ایران مدعی رعایت حقوق اقلیتها با آشوب اقلیتها» روبرو است، می‌تواند قدرت نرم ایران را در منطقه تضعیف و زمینه را برای انسجام‌بخشی بیشتر رفتارهای طرف مقابل فراهم سازد. به نظر می‌رسد عربستان سعودی بیشتر از قبل در مسیر تحریک قومیتها در ایران گام بر می‌دارد تا بتواند با بهره‌جستن از این مسئله در کنار دیگر تحرکاتش، رفتار ایران را به‌نوعی مهار کند. واقعیت این است که توزیع قومیتها در ایران، این زمینه را برای عربستان فراهم کرده است تا بخشی از سیاست مهار ایران را در منطقه از درون این کشور پی گیرد.

علاوه بر مسئله نوع توزیع قومیتها در ایران که عمدتاً در نواحی مرزی این کشور است، برخی ضعفهای درونی جمهوری اسلامی ایران در حوزه قومیتها از جمله ضعف نسبی در خدمت‌رسانی، نبود برخی امکانات رفاهی، محرومیت نسبی و... موجب شده است تا عربستان این موارد را به‌عنوان فرصتهای خود به‌منظور مداخله‌جویی قومی قلمداد کند. واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران در حوزه قومیتها، تلاشهای بسیاری انجام داده و همین امر به تحکیم هرچه بیشتر وحدت ملی منجر شده است؛ اما در کنار اراده نظام برای بهبود وضعیت

معیشت و رفاه و زدودن محرومیت از چهره نواحی قومی - مرزی، هم‌چنان مشکلات بعضاً جدی‌ای در این زمینه دیده می‌شود. این ضعفها، زمینه مانور عربستان را فراهم ساخته است.

سؤال اصلی این مقاله، که مبتنی بر نیاز کاربردی و مسئله جاری جمهوری اسلامی ایران طرح شده در حوزه راهبردهای اتخاذی ایران برای رویارویی با راهبرد قومی عربستان است؛ به بیان دیگر، کدام راهبردهای عملیاتی می‌تواند در تقابل با راهبرد مداخله‌جویانه قومی عربستان به کمک ایران آید؟ این سؤال و دغدغه راهبردی مبتنی بر هدف این مقاله طراحی شده است.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران برای نقش‌آفرینی در معادلات منطقه‌ای و طراحی نظم مطلوب خود، ناگزیر از در اختیار داشتن راهبردهایی در سطوح مختلف است که در تمامی این سطوح نیز نقش رقیبان و دشمنان او ملموس و مؤثر است؛ لذا پاسخ به سؤال این پژوهش در سطحی کلان می‌تواند هدفی راهبردی در راستای اسناد بالادستی ایران باشد. طبیعی است که تحقق «الهام‌بخشی» هرچه بیشتر، که یکی از محوریت‌ترین موارد سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ایران است، نیازمند طراحی راهبردهایی است که بخشی از آن اگرچه داخلی است، عمیقاً پیوسته‌های خارجی دارد. مسئله قومیتها در ایران از این دست است. در واقع جمهوری اسلامی ایران در صورت ارائه تصویری مطلوبتر از الگوی زیست مسالمت‌آمیز قومیتهای مختلف، می‌تواند «الهام‌بخشی» خود را تقویت سازد که مورد دشمنی برخی بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی قرار گرفته است. بنابراین پاسخ به سؤال این مقاله، که در حوزه طراحی راهبردهای رویارویی با اقدامات مداخله‌جویانه قومی عربستان است، ضروری و در راستای اهداف کلان جمهوری اسلامی ایران است.

پاسخ موقت به این سؤال، نیازمند فهم دقیقی از نقاط قوت و ضعف از یک سو و فرصتها و تهدیدها از سوی دیگر است. این مقاله سعی دارد تا با مشخص کردن نقاط ضعف و قوت جمهوری اسلامی ایران در حوزه اقوامی که در بخشهای مرزی ساکن هستند، فرصتها و تهدیدهای پیش‌روی ایران را لحاظ کند و با استفاده از تحلیل راهبردی SWOT، با بررسی دو به دوی قوتها و ضعفها با تهدیدات و فرصتها، مجموعه راهبردهای ایران را برای مقابله با راهبرد مداخله‌جویانه ریاض در معادلات قومی خود استخراج کند. برای استخراج این چهارگانه مورد نیاز به‌منظور طراحی راهبردی، البته روشهای مختلفی وجود دارد. آنچه در این

مقاله مورد استفاده قرار گرفته، بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است. تاکنون پژوهش‌های متعددی در حوزه قومیت‌های ایران صورت گرفته است. نگارنده سعی کرده است از این پژوهش‌ها بویژه در چارچوب فهم نقاط ضعف و قوت بهره گیرد. واقعیت این است که عمده این پژوهش‌ها بر رفتارهای هر بازیگر خارجی به‌منظور مداخله‌جویی در امور داخلی ایران متمرکز نبوده و اگر هم به این امر اشارتی شده، صرفاً نقش حاشیه‌ای داشته است. در صورتی که مدعای این مقاله اساساً بر راهبردها و اقدامات عربستان سعودی برای مداخله‌جویی قومی در ایران مبتنی، و درصدد مشخص کردن مجموعه راهبردهای جمهوری اسلامی ایران به‌منظور رویارویی با چنین راهبردهایی است. این امر، پژوهشگر را به چیزی فراتر از پژوهش‌هایی که تاکنون صورت گرفته، نیازمند ساخته است. بخشی از درک این نیاز از طریق بررسی یکی از منابع دفاعی بالادستی عربستان محقق شده است. در دکترین دفاعی عربستان، آشکارا به مسائل قومی ایران و ضرورت مداخله ریاض در آن اشاره شده است (Obaid, 2014, 14). بخشی دیگر از این نیاز از طریق بررسی تحركات قومی عربستان در برابر ایران رفع شده است (ساسانیان، ۱۳۹۵). عربستان به‌طور مشخص در برابر اقوام بلوچ، کرد و عرب به اقدامات مداخله‌جویانه و واگراساز از جمهوری اسلامی ایران دست زده است. در مجموع، فهم الگوی رفتاری عربستان در برابر ایران در چارچوب معادلات قومی، زمینه شناختی عمیق‌تر و راهبردی‌تر از اهداف ریاض را در رویارویی با ایران فراهم ساخته است. در نهایت می‌توان گفت با مشخص کردن نقاط ضعف، قوت و فرصت، تهدید و قیاس دو به دوی آنها به نظر می‌رسد راهبردهایی که پیوست داخلی دارد و در مسیر کاهش محرومیت نسبی اقوام در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار دارد در رویارویی با راهبردهای مداخله‌جویانه عربستان، اثرگذارتر است. نویسندگان این مقاله معتقدند که برخی از راهبردهای مشخص شده در متن، سالهاست در چارچوب سیاست قومی در دستور کار نهادهای جمهوری اسلامی ایران بوده است؛ اما اوضاع منطقه‌ای متحول و عاملیت یک بازیگر خارجی و نقش‌آفرینی آن در مناسبات قومی ایران، مسائلی است که ضرورت تحقق برخی راهبردهای گذشته را تشدید و اتخاذ برخی راهبردهای جدید را ضروری کرده است. سرانجام نیز ذکر این نکته ضروری است که مقاله به‌دنبال مشخص کردن مجموعه راهبردهایی برای جمهوری اسلامی ایران به‌منظور رویارویی با

راهبرد نفوذ قومی عربستان است نه ضریب‌دهی و رتبه‌بندی راهبردهای طرح شده. علاوه بر این تلاش شده است تا با مخاطب‌شناسی هر راهبرد، کارگزاران تحقق آن نیز به صورت اجمالی معرفی شوند تا مزیت نسبی مقاله نسبت به مقالات مشابه احتمالی آشکار شود.

### پیشینه پژوهش

تاکنون برای فهم هویت قومی، سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران، نسبت‌سنجی هویت ملی و قومی و راهبردها و راهکارهای تحکیم هویت ملی در میان اقوام ایرانی، پژوهشهای متعددی صورت گرفته است. هر یک از این پژوهشها نیز درصدد بوده است با بررسی عوامل مؤثر بر رشد هویت‌های قومی در ایران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم راهبردهایی را به‌منظور مدیریت مسائل قومی مطرح سازد؛ لذا از این دیدگاه، که برخی از این پژوهشها به مداخله بیگانگان در مناسبات قومی ایران اشاره کرده و برخی دیگر نیز عدم راهبرد مشخص از سوی نظام سیاسی را در رویارویی با قومیتها برجسته ساخته است، می‌توان هر دو گروه را به‌نوعی مرتبط با موضوع مقاله دانست.

حمید احمدی در مطالعه جامع خود، که رساله دکتری وی نیز بوده، سه عامل ضعف دولت مرکزی، فعالیت نخبگان قومی و دخالت بیگانگان را عامل اصلی جنبش‌های قومی دانسته است (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۳). مجتبی مقصدی نیز پس از مرور نظریه‌های علوم سیاسی، جامعه‌شناسی، روانشناسی، روانشناسی اجتماعی، اقتصاد و روابط بین‌الملل، علاوه بر سه عامل مورد نظر احمدی به گزینش عقلانی، احساس محرومیت نسبی، نقش‌آفرینی ابرقدرتها، ساخت نابرابر اجتماعی، موقعیت جغرافیایی خاص (محل استقرار) و اقتضات دوران گذار در عرصه داخلی و ساخت نظام بین‌الملل توجه کرده است (مقصدی، ۱۳۸۰: ۷ و ۲۲۶). او این عوامل را در درجه دوم به فرایند توسعه، سلطه قومی و قطبی‌شدن جامعه، برتری نژادی و قومی، توسعه ناموزون و روابط ناعادلانه مرکز و پیرامون، تصورات و پیشداوریهای قالبی، ناسیونالیسم قومی، نقش استعمارگران، حمایت‌های منطقه‌ای و فرایند توسعه و در درجه سوم به متغیرهای روانشناختی مثل ناکامی، برون‌فکنی و یادگیری اجتماعی کاهش داده است (مقصدی، ۱۳۸۰: ۳۱ - ۲۲۱). سیدرضا صالحی امیری علت و زمینه اصلی بروز مسائل قومی کنونی در ایران را

به نبود راهبرد و الگوی منسجم پایدار و عدم واقعگرایی در مدیریت مسائل قومی در ایران مربوط دانسته که در سه فرایند محلی، ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۱۱۲). حاجیانی نیز طی مطالعه‌ای، علت اصلی بروز مسائل قومی در وضعیت کنونی را نبود سیاست قومی و راهبرد معین برای پیگیری وحدت ملی در ایران از سوی نظام سیاسی می‌داند (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

علاوه بر این موارد پژوهشی، که تمرکز خود را بر قومیت و مسائل قومی قرار داده است در ادبیات جنگ نرم هم، عمدتاً هرگاه از ناراضیان داخلی و ضرورت ارتباط‌گیری، تهییج و تقویت آنان یاد شده بر اقلیتهای قومی به‌عنوان گروهی تأکید شده است که دارای ظرفیتهای بالقوه و بالفعل در این جنگ هستند (امانت‌بهبانی، ۱۳۹۳).

طرحها و اقدامات عربستان برای مداخله‌گرایی در مناسبات قومی ایران، اگرچه به‌صورت موضوعی، مورد بررسی برخی پژوهشگران قرار گرفته، تمرکز بر راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در رویارویی با این راهبرد مداخله‌گرایانه کمتر مورد اهتمام بوده است؛ این در حالی است که با توجه به وضعیت جدید منطقه‌ای و بین‌المللی، لحاظ‌کردن رفتارها و اقدامات بازیگر مداخله‌گر امری ضروری در طراحی سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران می‌نمایاند.

### مبانی نظری

یکی از راهبردهای رایج در مطالعات امنیتی، ادبیات بی‌ثباتی سیاسی<sup>۱</sup>، براندازی<sup>۲</sup> و حمایت قدرتهای بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای از معارضان و مخالفان موجود در واحد سیاسی رقیب است. در زمینه بی‌ثباتی سیاسی، دیوید ساندرز از دو دیدگاه شکل بی‌ثباتی و نتایج آن، سعی کرده است به توسعه مفهومی این ادبیات کمک کند. او دامنه رفتارهایی را این‌گونه برمی‌شمارد که به‌عنوان اقدام بی‌ثبات‌کننده سیاسی تلقی می‌شود؛ کودتا، کودتای نافرجام، اقدامات جنگ چریکی، شورش، تظاهرات، اعتصابات سیاسی، مرگ در اثر خشونت سیاسی، ترور، تغییر در مقامات اجرایی بالا و تغییرات کابینه، همگام با تغییر در نوع ساختارهای هنجاری، تغییر در

1 - Political Instability

2 - Subversion

نظام حزبی و تغییر وضعیت نظامی - غیرنظامی (ساندرز، ۱۳۸۰: ۳۴۲). او سپس تأکید می‌کند که به دلیل تفاوت الگوی نظم از نظامی به نظام دیگر، مرزهای بی‌ثباتی دچار تغییر می‌شود؛ چرا که بدون توجه به چارچوب خاص نظامها، نمی‌توان درجات بی‌ثباتی یکسانی را به حوادث مشابه سیاسی اطلاق کرد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۳۴۵). بر این اساس، الگوی نظم و چارچوب خاص نظامها است که می‌تواند در اثرگذاری رفتارهای بی‌ثبات‌ساز مؤثر واقع شود.

یکی از حوزه‌های مورد بررسی در ادبیات بی‌ثباتی و براندازی، نقشی است که بازیگران خارجی ایفا می‌کنند. در این راهبرد و در چارچوب رقابتها و دشمنی‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، قدرت خارجی تلاش می‌کند تا ضمن تحریک، تشجیع و بسیج مخالفان و ناراضیان داخلی، طیف گسترده‌ای از حمایتها را از معارضان بالقوه یا بالفعل اعمال و پیگیری کند. این راهبرد، که برخلاف تصور در دوران مدرن نیز به صورت آشکار و پنهان مورد استفاده قدرتهای سیاسی قرار گرفته است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۷۴۸ - ۷۴۴)، گاهی نقش تکمیلی دارد به این معنی که حمایت خارجی، نقش مکمل دیگر راهبردهای بی‌ثباتی سیاسی و براندازی مانند ناآرامیها و شورشهای اجتماعی، کودتا، انقلاب و... را به عهده می‌گیرد. در واقع اهمیت نقش عامل خارجی در روندهای ضد امنیتی به این دلیل است که برحسب تجربیات متعدد تاریخی، تحرکات ناامن‌کننده داخلی، معمولاً به حداقلی از اوضاع مساعد خارجی و بین‌المللی نیازمند است. این موضوع در انقلابهای اجتماعی کمتر و در دیگر تحرکات بی‌ثبات‌کننده بویژه در انقلابهای نرم و نیز ناآرامیهای قومی و مذهبی نقش مؤثرتری ایفا می‌کند. تجربیات اخیر در تحولات سیاسی کشورهای بجا مانده از شوروی سابق (انقلاب‌های رنگین) و یا حمایت غرب از جبهه معارضه صدام حسین، مؤید این واقعیت است. به هر حال در این راهبرد، دولت خارجی در گام نخست سعی در تحریک و راه‌اندازی و سپس هماهنگی و انسجام‌بخشی به جبهه متنوع مخالفان سیاسی می‌کند و در گام‌های بعدی با ارائه مشاوره‌ها و حمایت‌های اطلاعاتی، رسانه‌ای، تبلیغاتی، لجستیکی و تسلیحاتی به طراحی و اجرای عملیات‌های ایذایی و روانی گروه‌های تحت حمایت یاری می‌رساند. از جمله مهمترین مقدمات لازم برای پیگیری این راهبرد از سوی دولت خارجی، نخست فراهم‌بودن توان و امکانات حمایتی (به لحاظ اقتصادی و مالی)، وجود زمینه و بستر در کشورهای هدف و به‌طور مشخص فعالیت طیف

وسیع و گوناگون از نیروهای جریانهای مخالف و سرانجام نبود موانع حقوقی و قانونی در درون واحد سیاسی حامی است. نکته آخر به این دلیل اهمیت پیدا کرده است که معمولاً کشورهای غربی بویژه امریکا و انگلستان (بویژه پس از ماجرای ایران - کتترا) با نظارت‌های جدی نهادهای قانونی، قضایی و حقوقی روبه‌رو شده است و محدودیتهایی را برای مداخله‌های سیاسی، اطلاعاتی و نظامی در خارج از مرزها ایجاد کرده است. البته این امر به معنای حذف این‌گونه طراحی‌ها نیست بلکه زمینه نظارت و کنترل مؤثر بر آنها به‌منظور حصول به میزان بیشتری از موفقیت را فراهم می‌سازد. البته این مسئله در مورد کشورهای دارای نظام سیاسی لیبرال مطرح است و در کشورهای دیگر موضوعیت ندارد که اساساً موانع حقوقی و پارلمانی مطرح نیست. در هر حال، نظریه یا راهبرد حمایت از معارضة طی سه دهه اخیر، دستاوردهای درخشانی را برای کشورها و قدرتهای بزرگ به‌دنبال داشته که موجب شده است به‌صورت منسجم‌تری از آن بهره ببرند. یکی از مشکلات اساسی مقابله با این نوع مداخلات، تغییر راهبردها و روشهای حمایت و مداخله خارجی و استفاده دشمنان از فضاها و امکانات ارتباطی و اطلاعاتی در فضای مجازی است که کنترل و رصد این فعالیتها را بسیار دشوار ساخته است (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۳: ۱۲۴۰ - ۱۲۳۸).

از زاویه‌ای دیگر، موضوع این نوشتار به سیاستهای قومی<sup>۱</sup> باز می‌گردد. سیاست قومی به عنوان حوزه‌ای از سیاستگذاری عمومی<sup>۲</sup> است و به مجموعه تدابیر، سیاستها، اهداف، راهبردها و رفتارهای مصوب و رسمی یا اعلامی، غیررسمی و اجرایی هر واحد سیاسی در زمینه تنوع قومی یا تنوع فرهنگی موجود در آن واحد سیاسی اطلاق می‌شود. در واقع سیاست قومی پوشش خطیری است که طی آن رهبران سیاسی را به مدیریت مسائل و چالشهای قومی، جلب حمایت گروه‌های قومی و جلوگیری از اتحاد و همراهی آنان با مخالفان داخلی و خارجی وادار می‌کند (Maoz, 2004, 101). بر این اساس، بررسی تهدیدات خارجی و رفتارهای خارجی قومیتها نیز در سیاست قومی مطرح می‌شود و مورد بررسی قرار می‌گیرد. سیاست قومی در

1 - Ethnic Policy  
2 - Public Policy



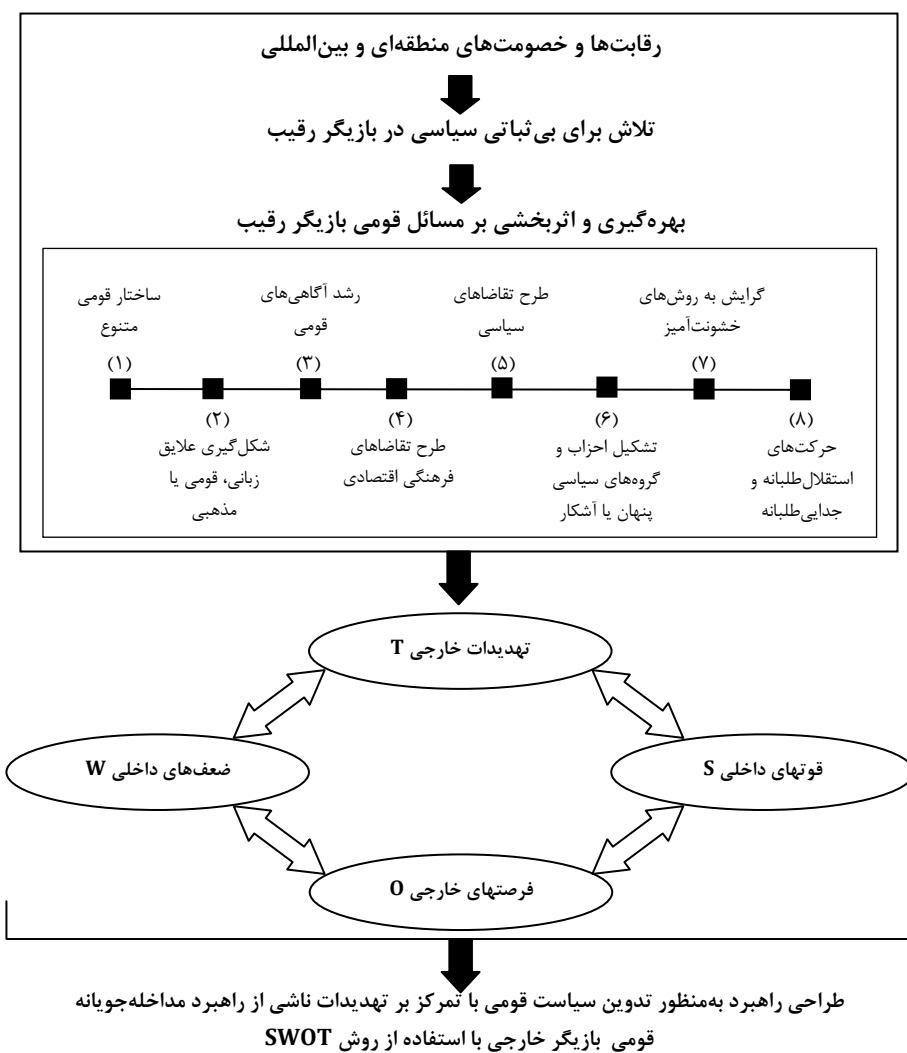
برخی کشورها در مجاورت سیاست مذهبی<sup>۱</sup> (تدابیر معطوف به اقلیتهای دینی) قرار می‌گیرد. سیاست قومی شامل طیف گوناگونی از سیاستها و راهبردهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌شود که توسط نهادهای مختلفی از نظام سیاسی اجرا می‌شود.

قدرتهای خارجی به‌منظور بی‌ثباتی سیاسی در کشور هدف در صورتی که زمینه‌های قومی از جمله تنوع قومی، محرومیت نسبی اقوام و نارضایتی آنان از حکومت مرکزی و... در آن کشور وجود داشته باشد، تلاش می‌کنند تا طیفی از رفتارهای بی‌ثبات‌ساز را با طراحی‌هایی در حوزه‌های موضوعی و شکلی مختلف به اجرا درآورند. در این میان ضروری است که کشور آماج، سیاست قومی خود را با احتساب و ضریب دادن به این مداخلات خارجی و البته زمینه‌هایی ساماندهی کند که موجب اثربخشی این مداخلات می‌شود.

ترکیب مفهومی سیاست قومی، مداخلات خارجی و بی‌ثباتی سیاسی، می‌تواند امکان بهره‌گیری از نظریه موازنه فراگیر<sup>۲</sup> را نیز فراهم سازد. اصطلاح موازنه فراگیر برای نخستین بار توسط استیون دیوید، تحلیلگر امریکایی سیاست بین‌الملل و مسائل جهان سوم به‌کار رفت. او دولتهای جهان سوم را درگیر با تهدیداتی چندجانبه از ناحیه بی‌ثباتی و عدم انسجام اجتماعی در درون و چالش با دولتهای رقیب در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی می‌داند (David, 1991, 16). از آنجا که مسائل قومی می‌تواند یکی از مصداقهای عدم انسجام اجتماعی و بی‌ثباتی در کشورها باشد، دولتها می‌توانند از این واقعیت برای تنظیم رفتار دیگری متناسب با مطلوبهای خود بهره ببرند؛ به‌عنوان مثال، نوع روابط سوریه، ترکیه، عراق و ایران طی دهه‌های اخیر در حوزه مسائل گُردی با نظریه موازنه فراگیر قابل تبیین است؛ اما از آنجا که این نظریه در تبیین سیاست خارجی دولتهای جهان سومی در راستای ایجاد توازن میان چالشهای داخلی و خارجی و با در نظر گرفتن فرصتها و تهدیدهای این دو محیط، مورد استفاده قرار می‌گیرد (حق‌پناه، ۱۳۸۷: ۵۳)، در عین قابل اعتنا بودن در فهم راهبردهای هر دولت برای مقابله با راهبردهای قومی دولت دیگر، نمی‌تواند کاربردی معنادار و معنابخش داشته باشد؛ اگر چه در تبیین راهبرد قومی هر دولت برای اعمال فشار بر دولت دیگر، کاملاً قابل بهره‌برداری است.

1 - Religious Policy  
2 - Omni Balancing

می‌توان با توجه به طیفی از مسائل قومی ایران (حاجیانی، ۱۳۸۰: ۱۲۲) الگوی مفهومی ذیل را برای طرح یک سیاست قومی با محوریت تهدیدات ناشی از مداخله‌گرایی یک بازیگر خارجی در مناسبات قومی کشور دیگر و با استفاده از روش تحلیل راهبردی SWOT ارائه کرد که در ادامه تشریح می‌شود:



منبع: نگارندگان

## قومیتها در ایران

مسئله قومیت‌ها در ایران، یکی از مهمترین مواردی است که در صورت عدم تدبیر و اتخاذ راهبردهای مقتضی، می‌تواند زمینه‌ساز تضعیف هویت و وحدت ملی شود و در نهایت امنیت ملی به‌عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های حیاتی را تحت تأثیر قرار دهد. از آن سو اتخاذ راهبردهای مناسب نیز می‌تواند در چارچوب رویکرد ایجابی، ضمن تحکیم روزافزون انسجام ملی، الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان الگوی برتر در برابر اقلیتهای قومی برای دیگران مطرح سازد. این امر، قدرت نرمی نافذ برای ایران به ارمغان خواهد آورد. چنین امری نیازمند فهم اهمیت مسئله قومیتها در ایران است. این درک، ابتدا نیازمند آشنایی با مفهوم «قوم» است. قوم در زمینه «گروهی از مردم که از درجه‌ای از همبستگی و انسجام برخوردارند و لاقلاً به صورت بالقوه از منافع و تبار مشترک خود، آگاهی دارند» به کار می‌رود. بنابراین، گروه قومی، تجمعی از مردم یا بخشی از جمعیت نیست، بلکه مجموعه‌ای خودآگاه از مردمی مرتبط یا شدیداً به هم مرتبط از طریق تجربیات مشترک است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۶۳).

ایران برخلاف اکثریت قریب به اتفاق کشورهای منطقه غرب آسیا و بسیاری از کشورهای دیگر جهان، یک واحد سیاسی تازه تأسیس نیست که پیشینه سیاسی و تاریخی آن به‌عنوان یک کشور و دولت به قرن بیستم یا دو سه قرن اخیر برگردد. ایران از معدود کشورهای جهان است که به‌عنوان یک واحد سیاسی و سرزمینی برخوردار از دولت و فرهنگ از پیشینه چند هزارساله برخوردار است. ایران دارای تداوم تاریخی بسیار کهنی است که در قرون پیش از میلاد دارای دولت و مرزهای خاص و تاریخ طولانی بوده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۲۶ و ۱۲۵)؛ لذا فهم قوم و قومیت در ایران با مطالعات قومی در کشورهای دیگر می‌تواند متفاوت باشد؛ چه اینکه چتر گسترده ایران، اساساً از دیرباز بسیاری از قومیتها را پوشش می‌داده است و آن‌گونه نیست که در جغرافیای کنونی ایران، قومیتها با تغلب و زور در زیر چنین چتری قرار گرفته باشد. ایران کنونی اقوام بسیاری را در بر دارد. این امر نیازمند مدیریتی مناسب چه در داخل و چه در فضای محیطی است تا تهدیدات ناشی از این تنوع به حداقل و فرصتهای آن حداکثری شود. رفع تهدیدها و کسب فرصتها هم نیازمند راهبردهای هوشمندانه‌ای است تا در نهایت،

ضمن تولید امنیت پایدار، الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران را در فضای محیطی برجسته سازد.

در زمینه ترکیب جمعیتی ایران آمارهای مختلفی وجود دارد که برخی از آنان کاملاً جهتدار و براساس مصالح و منافع خاصی تدوین شده است. با این ملاحظه، می‌توان چنین اعدادی را مورد اتکا قرار داد. اکثریت جمعیت و نزدیک به ۷۰ درصد فارس (قومیت مرکزی و غالب)، ۱۸ درصد ترک، حدود ۵ درصد کرد، حدود ۲ درصد بلوچ، تقریباً ۲ درصد عرب و ۱/۵ درصد ترکمن هستند (حافظ‌نیا و کاویانی، ۱۳۸۵: ۲۴). نکته قابل تأمل پراکندگی قومیتها در مرزهای جمهوری اسلامی ایران است و مهمتر از آن اینکه عمدتاً در مناطق آن سوی مرزها نیز اقوامی مشابه با اقوام داخلی ایران حضور دارند. منطقه بلوچستان استان سیستان و بلوچستان، خوزستان، آذربایجان شرقی، کردستان، گلستان و... این‌گونه هستند. گراهام فولر یکی از شرق‌شناسان مشهور، که مطالعات گسترده‌ای درباره تجزیه کشورهای جهان اسلام داشته و طرحهایی در این زمینه ارائه کرده است در کتاب «قبله عالم» به این ویژگی توزیع اقوام ایرانی توجه کرده است. فولر ایران را از لحاظ ساختار اجتماعی، کشوری ناهمگن می‌داند که گروه‌های مختلف قومی، نژادی، زبانی و مذهبی در آن زندگی می‌کنند و نظیر برخی از همین گروه‌های قومی در کشورهای همجوار نیز سکونت دارند. از دید مطالعات اجتماعی، برخی از نیروهای گریز از مرکز در ایران - بویژه حواشی مرزها - وجود دارند که می‌توانند در برخی از مواقع به‌عنوان کانونهای بحرانزا مطرح شوند. از دیگر سو، گروه‌های قومی متناظر در کشورهای همجوار از جمله اعراب و کردها در عراق، آذربایجان و بلوچها در پاکستان، می‌توانند به‌عنوان کانونهای ایجاد تنش و بحران مطرح باشند (فولر، ۱۳۷۲: ۴۳).

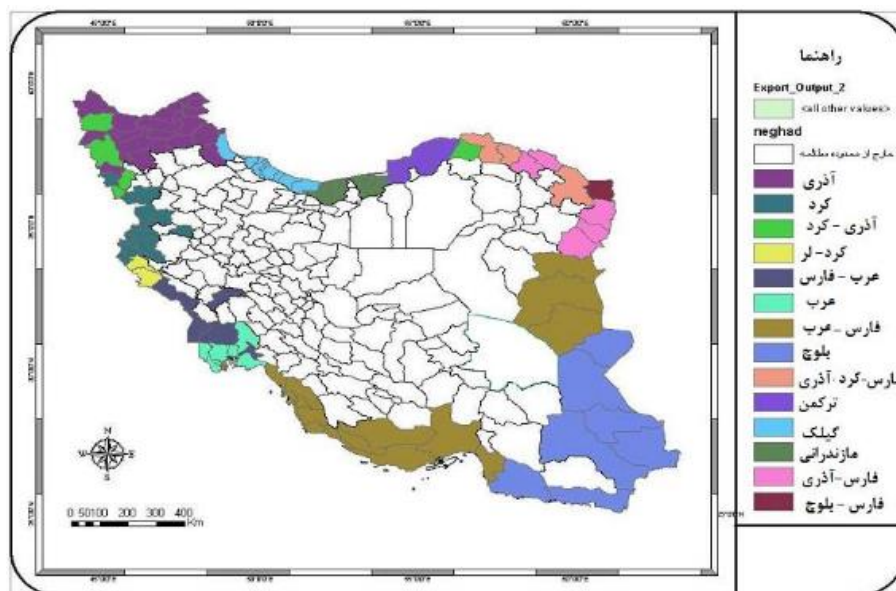
مسائل قومی در ایران از تنوع موضوعی برخوردار است و از یک قوم تا قوم دیگر، می‌تواند تفاوت‌های برجسته‌ای داشته باشد. این امر با لحاظ کردن هویت مذهبی، معنادارتر می‌شود. بر همین اساس حضور در ساختار قدرت در حالی‌که یکی از خواسته‌های مهم هر قوم است، می‌تواند در قوم دیگر به صورت نسبی، تحقق یافته قلمداد شود؛ با وجود این می‌توان گفت به‌رغم تلاشهای صورت‌گرفته برای ایجاد توسعه پایدار، ارتقای شاخصهای توسعه انسانی و بسترسازی رفاه مطلوب، همچنان کاستی‌های بعضاً قابل توجهی در مناطق قومی ایران مشاهده

می‌شود. محرومیت نسبی<sup>۱</sup> آن چیزی است که با شدت متفاوت، وجه مشترک قومیت‌های ایرانی است که عمدتاً در مناطق مرزی ساکن هستند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۳۰۰). محرومیت نسبی، که دقیقاً مبتنی بر فرایند ذهنی احساس می‌شود، آن‌گونه که تد رابرت گر تعریف کرده، برداشت بازیگران از وجود اختلاف میان انتظارات ارزشی (خواسته‌ها) و تواناییهای ارزشی آنها (داشته‌ها) است. گر، انتظارات ارزشی را کالاها و وضعیت زندگی می‌داند که مردم خود را مستحق آنها می‌دانند و توانایی ارزشی را نیز کالاها و شرایطی می‌پندارد که مردم فکر می‌کنند عملاً توانایی کسب و حفظ آنها را دارا هستند (گر، ۱۳۹۴: ۴۷). او بر این اساس، فرضیه‌ای را در زمینه شدت محرومیت مطرح می‌کند: «هرگونه افزایش در سطح متوسط انتظارات ارزشی در یک جمع بدون افزایش تواناییهای ارزشی به موازات آن، شدت محرومیت نسبی را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر، هرگونه کاهش در سطح متوسط تواناییهای ارزشی در یک جمع، بدون اینکه به موازات آن کاهش در انتظارات ارزشی پدید آید، شدت محرومیت نسبی را افزایش می‌دهد» (گر، ۱۳۹۴: ۹۰)؛ به بیان دیگر، هرگاه برداشت ذهنی از «بایدها» بیشتر از «هست‌ها» باشد، عملاً بستر محرومیت نسبی فراهم می‌شود. چنین برداشتی در برخی مناطق قومی قابل مشاهده است. پدیده چرخه محرومیت نسبی در ایران علیه منطقه جغرافیایی و گروه‌های جمعیتی قومی خاص شکل گرفته است و تداوم آن نیز این نکته را مطرح می‌سازد که مدیریت تخصیص و توزیع بهینه منابع در شکستن این چرخه (چندان) موفق نبوده است (صالحی‌امیری، ۱۳۸۸: ۱۲۵). چنین امری می‌تواند مسائل قومیت‌ها را در ایران به بستری مهم برای مداخله‌گری نرم و سخت رقیبان و متخاصمان مبدل سازد؛ لذا مسئله قومیت در ایران و مسائل قومیت‌ها در این کشور در حالی که می‌تواند دارای فرصتهایی برای اثبات حکمرانی خوب<sup>۲</sup> و الهام‌بخش باشد در صورت عدم اتخاذ رویکردهای صحیح می‌تواند زمینه‌ساز تهدیداتی از سوی بازیگران خارجی شود و عملاً امنیت ملی را به خطر اندازد؛ با وجود این و ضمن تأکید بر ضرورت توجه مداوم بر تهدیدات بالقوه و بالفعل از سوی رقیبان و متخاصمان ایران، باید به این نکته نیز توجه کرد که بروز منازعات و بحرانهای تاریخی در مناطق قومی را به هیچ وجه

1 - Relative Deprivation

2 - Good governance

نباید به معنای کلی تقابل هویت قومی و هویت ملی در نظر گرفت؛ چرا که هیچ‌گاه محققان و مورخان نتوانسته‌اند چنین نتیجه‌ای را از تحلیل تنش‌های این مناطق بگیرند (حاجیانی، ۱۳۸۸: ۲۹۴). چنین تحلیلی بیانگر این خواهد بود که هویت ملی و هویت قومی نزد اعضای گروه‌های قومی هم‌چنان برجسته است (حاجیانی و امیرکافی، ۱۳۹۲: ۱۴۱) به‌گونه‌ای که بازیگران مداخله‌گر در صورت طراحی واگراسازی و دگرسازی این دو هویت، اگرچه از زمینه‌هایی برای طرح و اقدام در میان قومیت‌های ایرانی برخوردارند، چنین هدفی براحتی محقق نخواهد شد.



نقشه ۱: پراکندگی قومیتها در استانهای مرزی جمهوری اسلامی ایران  
(سلیمی‌سبحان، حیدری، یاری، ۱۳۹۳)

### عربستان و اقوام ایرانی

با وجود تمامی تلاش‌های صورت گرفته از سوی نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تحکیم روزافزون هویت ملی در این کشور به دلیل تنوع مذهبی و قومی ایران بویژه در نواحی

مرزی، که اقتضائات امنیتی خاص خود را دارا است، بازیگران رقیب و یا متخاصم، بالقوه از امکان نفوذ به معنای عام برخوردارند (ساسانیا، ۱۳۹۵). بر همین اساس برخی از پژوهشگران حوزه اقوام ایرانی، دخالت بیگانگان را در کنار ضعف دولت مرکزی و فعالیت نخبگان قومی، عاملی مهم در شکل‌گیری جنبش‌های قومی می‌دانند (احمدی، ۱۳۷۸: ۹۳).

عربستان سعودی یکی از این بازیگران است. در میان ساختارها و کارگزاران سیاست خارجی عربستان، ایران به عنوان تهدید درک می‌شود و بر همین اساس الگوی رفتاری ریاض نسبت به ایران، واگرایانه است و این امر با روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز تشدید شده است (احمدیان، ۱۳۹۵). این واقعیت با تغییراتی که در سامانه نظم منطقه‌ای صورت گرفت و هم‌چنین با امضای توافق هسته‌ای میان جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو ۵+۱ تشدید نیز شده است. این توافق، که از دید نخبگان سیاسی عربستان به خروج ایران از انزوا منجر شده است، به احیای اعتبار بین‌المللی ایران انجامیده است و بر این اساس، عربستان آن را ضربه‌ای به جایگاه انحصاری خود در منطقه به‌عنوان متحد اصلی امریکا تفسیر کرد (Al-Rasheed, 2015, 38).

مبتنی بر چنین فهمی، عربستان می‌کوشد تا برای مهار ایران و ایجاد موازنه مطلوب قدرت در منطقه، علاوه بر مؤلفه‌های گوناگون از برخی ضعف‌های درونی ایران بهره‌جوید که برای او بمثابة فرصت است.

عربستان به دلیل ماهیت تعارضی هویت مذهبی رسمی خود با ایران از یک سو و رقابتهای منطقه‌ای در حوزه‌های متعدد، همواره سعی کرده است تا از ظرفیت تنوع قومی و مذهبی در مناطق مرزی ایران بهره‌برد. این امر حتی در دکترین دفاعی این کشور، که با همکاری اندیشکده بلفر<sup>۱</sup> طراحی و تدوین شد نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این دکترین، علاوه بر نقشه توزیع قومی و مذهبی در ایران آمده است:

«عربستان سعودی به محدودسازی نفوذ ایران در منطقه از طریق ضعف‌های ذاتی آن ادامه خواهد داد بویژه که روابط قومی - مذهبی داخلی ایران نشانگر موزاییکی از رقابتهای گوناگون

1 - Belfer Center

گروه‌های قومی و مذهبی در آن است. در یک جمله می‌توان گفت که این گروه‌ها بر سر قدرت و منافع در تضاد آشکار با یکدیگر هستند» (Obaid, 2014, 14).



(Obaid, 2014, 14)

عربستان می‌کوشد با ارتباط‌گیری با گروه‌های مذهبی و قومی ایران و اقتناع و تطمیع برخی عناصر واگرا در میان آنان، زمینه‌های نفوذ و اقدام علیه امنیت ملی ایران را چه به صورت عملیات‌های خرابکارانه و تروریستی و چه نهادینه‌سازی احساسات واگرا از حاکمیت فراهم سازد. واقعیت این است که مشی دوم عربستان، بسیار خطرناکتر از گونه نخست است.



نهادینه‌شدن حس واگرایی و برجسته‌سازی عناصر هویت‌های قومی و مذهبی، که غیریت هویتی خود را نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌کند در صورت تحقق می‌تواند ریاض را به خواسته‌های خود برساند. تمرکز این کشور بر ارتباط‌گیری، تعریف و برجسته‌سازی نقاط انتقادی و اعتراضی گروه‌های قومی و مذهبی، می‌تواند به‌طور معناداری قدرت نرم و اقتدار منطقه‌ای ایران را در معادلات منطقه‌ای دستخوش تغییر سازد. این امر در چارچوب موازنه قوا، مطلوب‌های ریاض را در پی خواهد داشت و دو هدف کلان ذیل را برای او محقق خواهد ساخت:

- ایران الگوی مطلوبی نیست؛ چرا که توان تأمین نیازهای مادی و معنویِ مشروع گروه‌های قومی و مذهبی ساکن در خود را ندارد.

- بی‌ثباتی داخلی در ایران می‌تواند توجه مقامات آن را به خود جلب کند و با درونی‌سازی بحران، امکان مانور ایران را در پرونده‌های منطقه‌ای از او بگیرد.

از سوی دیگر محتمل است هدف نهایی یا درازمدت عربستان، پیگیری راهبرد تجزیه و تقسیم ایران به چند کشور مستقل نیز باشد.

ابزارهای عربستان برای تحقق راهبرد قومی - مذهبی خود علیه ایران گوناگون است؛ تولید نارضایتی و برجسته‌سازی رسانه‌ای آن، خبرسازی، نفوذ و خرابکاری، تبلیغ وهابیت با استفاده از فقر اقتصادی و فقر فرهنگی برخی اقوام سنی‌مذهب ایران و ... .

حس محرومیت نسبی در میان برخی اقوام ایرانی در کنار برخی موارد دیگر، یکی از اصلی‌ترین بسترهای مداخله‌جویی عربستان در میان آنان است. این امر را می‌توان یکی از زمینه‌های مهم عملیات روانی رسانه‌های عربستانی دانست که به‌دنبال مداخله‌جویی در مناسبات قومیتی در ایران است. در نسبت میان محرومیت نسبی و تغییر در نگرشها و رویکردهای قومی، که ریاض در پی آن است، می‌توان به گفته تد رابرت گر اشاره کرد: «هنگامی که محرومیت نسبی در گروه‌های هدف افزایش می‌یابد، آمادگی آنها برای بازنگری در باورداشتها و تغییر نگرش خود فزونی می‌یابد» (گر، ۱۳۹۴). بر این اساس بخشی از تلاشهای واگراساز بازیگران خارجی رقیب یا متخاصم از جمله عربستان سعودی در حوزه اقوام ایرانی

به گونه‌ای سامان می‌یابد که مخاطب مورد نظر آنها پیشاپیش به عللی در زمینه‌های مورد نظر در طراحی خارجی دچار مشکل، محرومیت و یا آسیب شده باشد (حسینی، ۱۳۸۸: ۲۰).

### روش‌شناسی، روش تحلیل راهبردی SWOT

روش SWOT را باید یکی از مهمترین ابزارهای پشتیبانی از تصمیم دانست که به‌طور معمول در جهت تجزیه و تحلیل نظام‌مند محیط داخل و خارج سازمان به کار می‌رود (Dyson, 2004). SWOT در واقع حروف اختصاری چهار عامل تحلیلی شامل قوتها، ضعفها، فرصتها<sup>۳</sup> و تهدیدها<sup>۴</sup> است. الگوی SWOT یکی از ابزارهای راهبردی تطابق نقاط قوت و ضعف درون‌سیستمی با فرصتها و تهدیدهای برون‌سیستمی است و راهبردهای مشخص شده باید سازگاری قابل قبولی با چهار عامل تحلیلی داشته باشد. به‌طور اجمالی، این شیوه ابزار تحلیل وضعیت و تدوین راهبرد است و این امور این‌گونه صورت می‌گیرد:

بازشناسی و طبقه‌بندی قوتها و ضعفهای درونی سامانه، بازشناسی و طبقه‌بندی فرصتها و تهدیدهای محیط خارج سامانه، تکمیل ماتریس SWOT و تدوین راهبردهای گوناگون برای هدایت سامانه در آینده. پس از مشخص شدن فرصتها و تهدیدها از محیط خارجی و نقاط قوت و ضعف از محیط داخلی، باید ماتریس SWOT تکمیل شود. این ماتریس به دلیل بررسی دو به دوی عناصر سطر و ستونش با یکدیگر، چهار راهبرد را فراهم می‌سازد:

جدول ۱: راهبردهای چهارگانه بر اساس تحلیل سوات

ماتریس SWOT		محیط داخلی	
		قوتها (S)	ضعفها (W)
محیط خارجی	فرصتها (O)	راهبرد تهاجمی (SO) (حداکثر - حداکثر)	راهبرد انطباقی (WO) (حداقل - حداکثر)
	تهدیدها (T)	راهبرد اقتضایی (ST) (حداکثر - حداقل)	راهبرد دفاعی (WT) (حداقل - حداقل)

(منبع: پیرس و رابینسون، ۱۳۸۳)

- 1 - Strengths
- 2 - Weaknesses
- 3 - Opportunities
- 4 - Threats

راهبرد تدافعی، هدف کلی این راهبرد، کاهش ضعف‌های سامانه برای کاستن و خنثی‌سازی تهدیدهاست.

راهبرد انطباقی/بازنگری، این راهبرد تلاش می‌کند تا با کاستن از ضعفها بتواند حداکثر استفاده را از فرصتهای موجود ببرد.

راهبرد اقتضایی/گونه‌گون‌سازی، این راهبرد برپایه بهره‌گرفتن از قوت‌های سامانه برای مقابله با تهدیدات تدوین می‌شود و هدف آن به حداکثر رساندن نقاط قوت و به حداقل رساندن تهدیدات است.

راهبرد تهاجمی، تمام سامانه‌ها خواهان وضعیتی هستند که بتوانند همزمان، قوت و فرصتهای خود را به حداکثر برسانند. برخلاف راهبرد تدافعی، که راه‌حل واکنشی است، راهبرد تهاجمی یک راه‌حل کنشگر است (گلکار، ۱۳۸۴: ۵۱).

#### قوتها، ضعفها، فرصتها و تهدیدات ایران در رویارویی با راهبرد قومی عربستان

با جداسازی دو محیط داخلی و خارجی، قوتها و ضعفها از یک سو و فرصتها و تهدیدات از سوی دیگر، شناسایی می‌شود.

##### ۱- بررسی محیط داخلی ایران

نقاط ضعف و قوت در چارچوب موضوع مورد بررسی از کارهای پژوهشی در این حوزه بویژه در نسبت‌سنجی هویت ملی و قومی در ایران (حاجیان، ۱۳۸۸؛ حاجیان و امیرکافی، ۱۳۹۲)، نقش توسعه بر مسائل قومی (مرادیان، ۱۳۸۶)، بررسی بیانات و سخنرانیهای مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران (از جمله پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵)، اخبار رسانه‌ها در زمینه عملکرد دولتهای مختلف در برابر مناطق قومی در مرزها، بررسی برخی اعتراضها و مطالبات قومیتها و... به دست آمده است.

##### ۱-۱- نقاط قوت

S1. اراده و سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر تحکیم روزافزون وحدت ملی و رواداری قومی (سیاست وحدت در کثرت)

- S2. وجود عناصر و جریانهای همگرا و معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران در میان قومیتها
- S3. اشراف اطلاعاتی و برقراری امنیت نسبتا مطلوب در مناطق مرزی که اقلیتهای قومی عمدتا در آنجا ساکن هستند.
- S4. بومی ساختن نسبی امنیت سازی در مناطق قومی از سوی جمهوری اسلامی ایران
- S5. وجود ریشه های تاریخی و نمادهای مشترک که به تقویت هویت ایرانی - اسلامی منجر می شود.
- S6. رشد تصور نسبتا منفی نسبت به عربستان در میان قومیتها به دلیل رفتارهای خصمانه ریاض
- S7. اسلام اعم از تشیع و تسنن به عنوان پیوندی قوی میان اقوام ایرانی
- S8. وضعیت مطلوبتر کیفیت زندگی و شاخصهای رفاهی در میان اقوام ایرانی نسبت به اقوام مشابه آنها در آن سوی مرز

#### ۱-۲- نقاط ضعف

- W1. مشکلات اقتصادی و محرومیت نسبی در مناطق قومی
- W2. ضعف نسبی فرهنگی در مناطق قومی از جمله مسئله کم سواد و برخی سنتهای طائفی و قبیله ای
- W3. وجود گروه های واگرا از جمهوری اسلامی ایران در مناطق قومی
- W4. عدم حضور نخبگان قومی در مناصب حکومتی به میزان مناسب
- W5. اهانت های رسانه ای هر از چندگاه به اقوام که به اعتراض آنها منجر می شود.
- W6. توزیع اقلیتهای قومی در مناطق مرزی که زمینه ساز نفوذ آسانتر بیگانگان می شود.

#### ۲- بررسی محیط خارجی ایران

تهدیدها و فرصتهایی که در ادامه ذکر می شود با بررسی موارد ذیل به دست آمده است: برخی اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران از جمله سند چشم انداز بیست ساله (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲؛ کمیلی، ۱۳۹۴)، دکترین دفاعی عربستان سعودی (Obaid, 2014, 14)، بررسی و تحلیل محتوای رسانه های سعودی بویژه وبگاه

شبکه العربیه (از جمله؛ العربیه نت، ۲۰۱۶)، مطالعه و تحلیل محتوای پایگاه‌های اینترنتی برخی گروه‌های واگرا در استانهای سیستان و بلوچستان (از جمله سازمان جیش العدل، ۱۳۹۵) و خوزستان (از جمله حركة التحرير الوطنی الأحوازی، ۲۰۱۷)، بررسی رسانه‌های داخلی، مطالعه ظرفیتهای شیعیان منطقه الشرقیه و حجاز در عربستان (فرانکه و فولر، ۱۳۸۴؛ ابراهیم، ۱۳۸۶؛ Matthesen, 2015)، بررسی برخی جلسات استماع در کمیته خارجی کنگره امریکا (از جمله Modell, 2017)، رویکرد امریکا در ایجاد شکافهای قومی در ایران (حمزه پور، ۱۳۸۶)

#### ۱-۲- فرصتها

01. امکان تصویرسازی مثبت از الگوی حکمرانی در ایران
02. امکان ترویج تصویر «ایران، جزیره ثبات در منطقه‌ای ناامن» با تأکید بر امنیت مناطق مرزی
03. وجود پیوندهای مشترک قومی با کشورهای همسایه و امکان فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی در مورد آن
04. وجود پیوندهای مشترک قومی با کشورهای همسایه و امکان فعال‌سازی دیپلماسی فرهنگی درباره آن.
05. امکان ترویج فکر گستره عظیم سرزمین «ایران فرهنگی» نسبت به «ایران جغرافیایی»
06. نفوذ فرهنگی و تاریخی و محبوبیت ایران و ایرانی در بسیاری از اقوام پیرامونی ایران

#### ۲-۲- تهدیدها

- T1. وجود گروه‌های قومی تجزیه‌طلب و شورشی در برخی مناطق هم‌مرز با مناطق قومی ایران و پیوند آنها با گروه‌های داخلی
- T2. توان مالی و لجستیکی عربستان برای حمایت از معارضان قومی ایران
- T3. نفوذ نسبی امنیتی عربستان در برخی مناطق قومی ایران و تلاش برای واگرایی بیشتر فکری و عملیاتی قومیتها علیه ایران
- T4. احتمال نفوذ فرهنگی عربستان در برخی مناطق قومی ایران با بهره‌گیری از عامل مذهبی (ترویج وهابیت) و تلاش برای واگرایی بیشتر فکری و عملیاتی قومیتها علیه ایران

- T5. توان تخریب چهره ایران و کاهش قدرت نرم آن با استفاده از توسعه اعتراضها و واگراییها در مناطق قومی با توجه به سیاستهای عربستان بویژه در حوزه رسانه‌ای
- T6. نفوذ عربستان بر گروه‌های قومی تجزیه‌طلب و شورشی در برخی مناطق هم‌مرز با مناطق قومی ایران و نفوذ این کشور بر برخی دولتها و اقلیتهای همسایه ایران
- T7. تمرکز سازمانها و نهادهای حقوق بشری و بین‌المللی بر رفتار ایران در ارتباط با اقلیتهای قومی و مذهبی و ایفای نقش عربستان در این زمینه.
- T8. وجود سیاست توسعه واگرایی قومی در ایران در طراحیهای امریکا و مناسبات قوی امریکا و عربستان
- T9. تشدید همسویی و همگرایی عربستان و رژیم صهیونیستی در دشمنی با ایران با تمرکز بر پیگیری سیاستهای بی‌ثبات‌ساز از سوی این رژیم بویژه در مناطق کُردی پیرامونی ایران

#### مجموعه راهبردهای ایران در رویارویی با راهبرد قومی عربستان

راهبردهای ایران در رویارویی با راهبرد مداخله‌جویانه عربستان نسبت به اقوام ایرانی از رویارویی دو به دوی قوت و ضعفها با فرصتها و تهدیدها شکل می‌گیرد؛ لذا چهار گونه از راهبردها از چنین رویارویی به دست می‌آید:

##### ۱- راهبردهای تهاجمی SO

این مجموعه از تقابل قوتها و فرصتها به وجود می‌آید. در این راهبردها از نقاط قوت برای بهره‌گیری هرچه بیشتر از فرصتهای محیط بیرونی استفاده می‌شود.

SO1. بازنمایی رسانه‌ای امنیت نسبتاً مطلوب در مناطق قومی با تأکید بر بحرانهای امنیتی منطقه

SO2. بازنمایی رسانه‌ای وحدت ملی و مشارکت سیاسی در مناطق قومی

SO3. زمینه‌سازی توسعه بازارچه‌های مرزی با برنامه مشخص به‌منظور توسعه مراودات

اقتصادی و پیشرفت هرچه بیشتر مناطق قومی

SO4. تبیین و ترویج راهبرد وحدت در کثرت برای تحکیم هرچه بیشتر هویت ملی و اتحاد

ملی

S05. هرچه بیشتر فعال‌سازی دفترهای رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به‌منظور تأکید بر مشترکات فرهنگی با کشورهای همسایه

S06. تفهیم مستقیم و غیرمستقیم به عربستان مبنی بر امکان موازنه‌سازی قومی - مذهبی از سوی ایران در صورت ادامه مداخله‌گرایی

S07. تلاش برای توسعه اشراف اطلاعاتی بر مناطق برون مرزی

S08. مقایسه وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اقوام درونی با اقوام مشابه بیرونی به‌منظور برجسته‌سازی مزیت‌های اقوام درونی نسبت به همتایان خارجی

## ۲- راهبردهای متنوع‌سازی ST

این مجموعه از تقابل نقاط قوت درونی با تنگناها و تهدیدات بیرونی شکل می‌گیرد. در این راهبردها از نقاط قوت درونی به‌منظور کاهش یا رفع خطر و تهدیدات محیط خارجی استفاده می‌شود.

ST1. سیاست و کنشگری فعال به‌منظور مقابله و جلوگیری از استقلال‌طلبی قومیت‌های کشورهای همسایه

ST2. توسعه اشراف اطلاعاتی در درون و تسری آن بر مناطق قومی هم‌مرز

ST3. توسعه روابط در همه سطوح با کشورهای همسایه به‌منظور مقابله با نفوذ عربستان با محوریت وزارت خارجه

ST4. برجسته‌سازی نمادهای قومی - ملی اقوام ایرانی

ST5. تلاش برای تبیین نیت راهبردی، سیاستها و اقدامات مداخله‌گرایانه عربستان و امریکا برای آگاهی‌بخشی و اقناع اقوام ایرانی

ST6. تأکید و برجسته‌سازی سیاستها و اقدامات عربستان علیه مسلمانان بویژه فاجعه منا، حمله به یمن و همکاری‌های راهبردی با امریکا و رژیم صهیونیستی

ST7. بهره‌گیری از عناصر هم‌گرای قومی در محکومیت مواضع حقوق بشری علیه ایران که بر مسائل قومی ناظر است.

ST8. تلاش برای بهبود مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی اقوام ایرانی و مقایسه آن با وضعیت اقوام مشابه در آن سوی مرزها

- ST9. تبیین ارتباطات خارجی و جنایتهای برخی معارضان مسلح قومی برای اقوام ایرانی
- ST10. تبیین تفاوتهای معنادار وهابیت با آموزه‌های اهل سنت
- ST11. تداوم تلاشها برای جذب و جلب همکاری روحانیون برجسته اهل سنت اعم از مولویها و ماموستاها، چهره‌های برجسته و کاریزمای قومی، سران طوایف و...
- ST12. نظارت بر مرزها و جلوگیری از ورود گروه‌هکهای شبه‌نظامی ایرانی و خارجی به داخل
- ST13. اتخاذ رویکرد هجومی در سازمانها و نهادهای حقوق بشری علیه عربستان با برجسته‌سازی نقاط مثبت حکمرانی خود و نقاط منفی حکمرانی عربستان بویژه در برابر شیعیان مناطق شرقی این کشور
- ST14. سیاست و کنشگری فعال در کشورهای همسایه مبنی بر کنترل گروه‌هکهای شبه‌نظامی و قومی آن کشورها و در صورت نیاز، ارائه مشوقهایی به این دولتها

### ۳- راهبردهای تدافعی WT

- این راهبردها از تقابل و تعامل ضعف درونی و تهدیدات خارجی شکل می‌گیرد. این راهبردها تلاش می‌کند تا با ترمیم نقاط ضعف، برونرفت از تهدیدات خارجی به دست آید.
- WT1. رفع کمبودهای معیشتی به‌منظور مقابله با نفوذ عربستان از طریق شیوه‌های مالی
- WT2. رفع کمبودهای زیرساختی مناطق قومی به‌منظور ایجاد ثبات و امنیت پایدار
- WT3. توسعه متوازن و متناسب با اقتضائات فرهنگ بومی در حوزه دانشگاه‌های مستقر در آن مناطق
- WT4. حمایت از بخش خصوصی به‌منظور کارآفرینی
- WT5. طراحی دستورالعمل‌های دقیق و جامع برای رسانه‌ها در چگونگی ورود به مباحث قومی و تشدید تنبیه و مجازات خاطیان
- WT6. به‌کارگیری برنامه‌ریزی شده و آگاهانه نیروهای متخصص و نخبگان قومی در عرصه‌های مدیریتی
- WT7. تلاش برای اشراف اطلاعاتی بیشتر بر گروه‌های واگرا و تلاش برای قطع ارتباط آنها با عربستان



WT8. تضعیف گروه‌های واگرا از طریق آگاهی‌بخشی عمومی و اقناع‌سازی در مناطق قومی  
 WT9. توسعه فرهنگی متناسب با اقتضائات بومی از طریق نخبگان قومی

۴- راهبردهای انطباقی/بازنگری WO

این مجموعه از تقابل ضعف درونی با فرصتهای محیط بیرونی شکل می‌گیرد. این مجموعه راهبردها با کاستن از نارساییها و نقاط ضعف درونی، میزان استفاده و بهره‌مندی از فرصتهای بیرونی را ارتقا می‌بخشد.

WO1. حمایت برنامه‌ریزی شده و آگاهانه از بخش خصوصی اقوام به‌منظور فعال‌سازی آنها در حوزه مراودات تجاری خارجی

WO2. حمایت برنامه‌ریزی شده و آگاهانه از بخش خصوصی و کارآفرینان اقوام به‌منظور فعال‌سازی ظرفیتهای محلی و ایجاد اشتغال

WO3. تقویت ابعاد فرهنگی قوم‌محور با تمایل به تحکیم هویت ملی به‌منظور بهره‌گیری در دیپلماسی فرهنگی با کشورهای همسایه که دارای قوم مشابه هستند.

WO4. مهار گروه‌های واگرا به‌منظور حفظ امنیت و برند «ایران، جزیره ثبات در منطقه ناامن» و ارائه الگوی مثبت از حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

WO5. تقویت برنامه‌ریزی شده و آگاهانه حضور نخبگان قومی در مناصب حکومتی به‌منظور برطرف‌سازی حس دور افتادگی از قدرت و تصویرسازی مثبت از الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران

WO6. تدوین طرح جامع رسانه‌ای در زمینه رویارویی با مسائل قومی

۵- تکنیک موضوعی راهبردها

راهبردهای طراحی شده را می‌توان در شش موضوع دسته‌بندی کرد: فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، رسانه‌ای، امنیتی - اطلاعاتی و مدیریتی. موضوع مدیریتی به بهره‌بردن از نخبگان قومی در سطوح مدیریتی کشور اشاره دارد.

جدول ۲: تفکیک موضوعی راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با راهبرد مداخله جویانه قومی عربستان

مدیریتی	امنیتی و اطلاعاتی	رسانه‌ای	اقتصادی	سیاسی	فرهنگی	
	S08	S01, S02	S03, S09	S06, S07, S09	S04, S05, S09	راهبردهای SO
	ST2, ST3, ST9, ST12		ST3	ST1, ST3, ST5, ST6, ST7, ST8, ST13	ST3, ST4, ST8, ST10, ST11	راهبردهای ST
WT6	WT7	WT5	WT1, WT2, WT4		WT3, WT8, WT9	راهبردهای WT
W05	W04	W06	W01, W02		W03	راهبردهای WO

۶- جامعه هدف راهبردها

جامعه هدف راهبردها در واقع به جامعه‌ای اشاره می‌کند که راهبرد برای اثرگذاری بر رفتارها و سیاستهای آن طراحی شده است. البته واقعیت این است که هر راهبرد می‌تواند چند جامعه هدف را دربرگیرد که در اینجا سعی شده است با توجه به رابطه مستقیم‌تر جوامع و راهبردها، تفکیک زیر صورت گیرد:

جدول ۳: جامعه هدف راهبردهای جمهوری اسلامی ایران برای رویارویی با راهبرد مداخله جویانه قومی عربستان

کشورهای همسایه	عربستان و بازیگران متخاصم	گروه‌های تروریستی قومی	سران و نخبگان قومی	بدنه اقوام	
S01, S02, S03, S05, S08	S01, S02, S06, S07	S08	S01, S02, S03, S04, S09	S01, S02, S03, S04, S09	راهبردهای SO
ST1, ST3, ST14	ST7, ST13	ST2, ST12	ST2, ST4, ST5, ST6, ST7, ST9, ST11	ST2, ST4, ST5, ST6, ST8, ST9, ST10	راهبردهای ST
		WT7	WT4, WT5, WT6, WT9	WT1, WT2, WT3, WT4, WT5, WT8	راهبردهای WT
W03		W04	W01, W02, W05, W06	W06	راهبردهای WO

نتیجه‌گیری

عربستان سعودی به دلایل گوناگون از جمله ریشه‌های هویتی مذهب‌محور و هم‌چنین رقابتهای ژئوپلیتیکی، ایران را تهدیدی برای خود یافته است. فارغ از ارزیابی چنین تصویری از

سوی ریاض، این ادراک تهدیدی، زمینه‌ساز طراحیهای متعددی در حوزه‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی، امنیتی - نظامی و فرهنگی از سوی عربستان و علیه ایران شده است. راهبرد مداخله‌جویی قومی عربستان را باید یکی از این طراحیها دانست. در دکترین دفاعی عربستان، چنین امری آشکارا ذکر شده است: «عربستان سعودی به محدودسازی نفوذ ایران در منطقه از طریق ضعفهای ذاتی آن ادامه خواهد داد بویژه که روابط قومی - مذهبی داخلی ایران نشانگر موزاییکی از رقابتهای گوناگون گروه‌های قومی و مذهبی در آن است» (Obaid, 2014, 14).

تنوع قومی از یک‌سو و چگونگی توزیع اقوام، که عمدتاً در نواحی مرزی ایران هستند از سوی دیگر، راهبرد قومی عربستان علیه ایران را امکانپذیرتر ساخته است؛ لذا عربستان می‌کوشد تا با نفوذ و خرابکاری، برجسته‌سازی مشکلات و کمبودهای اقوام، غیریت‌سازی هویتی جمهوری اسلامی ایران برای اقوام و هم‌چنین استفاده از عنصر مذهب (تسنن)، زمینه‌آفرینی بیشتر این اقوام را از ایران فراهم سازد تا بتواند بی‌ثباتی سیاسی را در ایران عملیاتی سازد. جمهوری اسلامی ایران با توجه به تلاش مستمر برای رسیدن به جایگاه «الهام‌بخشی» از یک‌سو و ضرورت حفظ امنیت و مقابله با تهدیدات بی‌ثبات‌ساز از سوی دیگر، نمی‌تواند نسبت به چنین رفتاری از سوی ریاض بی‌اعتنا باشد. بر همین اساس رویارویی ایران با چنین راهبردی از سوی عربستان، نیازمند راهبردهای هوشمندانه‌ای است تا مانع تضعیف هویت ملی و انسجام ملی خود شود. برخی از این راهبردها پیش از این نیز در سیاست قومی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است اما تحولات منطقه و عاملیت هر بازیگر خارجی در مناسبات قومی ایران، راهبردهای پیشین را ضروری‌تر و ضرورت در دستورکار قرار دادن راهبردهای جدید را بیش از پیش ساخته است. سیاست قومی به‌عنوان حوزه‌ای از سیاستگذاری عمومی است و به مجموعه تدابیر، سیاستها، اهداف، راهبردها و رفتارهای مصوب و رسمی یا اعلامی، غیررسمی و اجرایی هر واحد سیاسی در زمینه تنوع قومی یا تنوع فرهنگی آن واحد سیاسی اطلاق می‌شود.

تجربه سالهای اخیر و برخی ناآرامیهای قومی نشان داده که ردپای عربستان در این رخدادهای قابل مشاهده است. این مقاله کوشید تا با بهره‌جویی از روش تحلیل راهبردی SWOT نقاط ضعف و قوت در محیط داخلی (تحت نفوذ) ایران را همراه با فرصتها و تهدیدات محیط

خارجی مشخص کند تا در نهایت مجموعه راهبردهای جمهوری اسلامی ایران را برای رویارویی با راهبرد نفوذ قومی عربستان تدوین کند. هدف مقاله، صرفاً طرح این راهبردها به همراه طرح مخاطب هر کدام از آنها و پیشنهاد کارگزار اجرای تحقق آنها بوده است. بر این اساس، ۶ نقطه ضعف، ۸ نقطه قوت، ۶ فرصت و ۹ تهدید با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی مطرح شد. مبتنی بر بررسی دو به دو ضعف و قوتها با فرصتها و تهدیدها، ۳۸ راهبرد در چهار دسته طرح شد: ۸ راهبرد تهاجمی، ۱۴ راهبرد متنوع‌سازی، ۹ راهبرد تدافعی و ۶ راهبرد بازنگری. به نظر می‌رسد یکی از محورهای اساسی، که با شدت و ضعف متفاوت در هر چهار نوع راهبرد قابل مشاهده است، ضرورت تلاش مستمر و روزافزون جمهوری اسلامی ایران برای عملی‌سازی اراده خود مبنی بر توسعه پایدار مناطق مرزی است که عمدتاً محل سکونت اقوام ایرانی است. تحقق این ضرورت، نقاط ضعف را کاهش می‌دهد و بخشی از تهدیدات را برطرف می‌سازد. البته نمی‌توان با چنین ساده‌سازی‌ای مسائل قومی و امکان نفوذ راهبردی عربستان را برطرف کرد؛ اما واقعیت این است که تحقق این ضرورت، امنیت‌ساز است و امکان مانور عربستان را کاهش می‌دهد. کاهش محرومیت نسبی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در میان برخی گروه‌های قومی می‌تواند تا حدی این مهم را فراهم سازد.

## منابع

### فارسی

- ۱ - ابراهیم، فواد (۱۳۸۶). شیعیان عربستان. تهران: انتشارات مؤسسه ابرار معاصر تهران.
- ۲ - احمدی، حمید (۱۳۸۸). بنیادهای هویت ملی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۳ - احمدی، حمید (۱۳۷۸). قومیت و قومیت‌گرایی؛ از افسانه تا واقعیت. تهران: نشر نی.
- ۴ - احمدیان، حسن (۱۳۹۵). تحول در سیاست منطقه‌ای عربستان؛ آورده‌های ملک سلمان. فصلنامه روابط خارجی. س هشتم، ش ۴.
- ۵ - امانت‌بهبهانی، مهدی (۱۳۹۳). جنگ نرم و تأثیرگذاری بر اقوام ایرانی. فصلنامه عملیات روانی. ش ۴۱.
- ۶ - بیلیس، جان؛ اسمیت، استیو (۱۳۸۳). جهانی‌شدن سیاست؛ روابط بین‌الملل در عصر نوین. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۷ - پیرز، جان؛ ای‌وریچاردی، رابینسون (۱۳۸۳). مدیریت راهبردی (برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل). تهران: انتشارات سمت.
- ۸ - حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی هویت ایرانی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۹ - حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). مسئله وحدت ملی و الگوی سیاست قومی در ایران. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. ش سوم.
- ۱۰ - حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۰). الگوی سیاست قومی در ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی. ش اول و دوم.
- ۱۱ - حاجیانی، ابراهیم؛ امیرکافی، مهدی (۱۳۹۲). نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چندقومیتی ایران، بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری. فصلنامه راهبرد. ش ۶۶.
- ۱۲ - حافظ‌نیا، محمدرضا؛ کاویانی، مراد (۱۳۸۵). نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ). مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان. ش ۱.
- ۱۳ - حسینی، سیدحسین؛ گروه مطالعاتی دانشکده امنیت ملی (۱۳۸۸). تهدیدات رسانه‌ای و راهبردهای مقابله. تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.

- ۱۴ - حقی‌پناه، جعفر (۱۳۸۷). کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- ۱۵ - حمزه‌پور، علی (۱۳۸۶). تبیین رویکرد امریکا در ایجاد شکاف‌های قومی در ایران. فصلنامه آفاق امنیت. ش دوم و سوم.
- ۱۶ - ساسانیان، سعید (۱۳۹۵). راهبرد قومی - مذهبی عربستان جهت نفوذ در ایران. همایش نفوذ و نظام سلطه. تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۷ - سلیمی‌سیحان، محمدرضا؛ حیدری، جهانگیر؛ یاری، منیر (۱۳۹۳). تحلیل همگرایی اقوام مرزنشین ایران به‌عنوان یکی از شاخصهای امنیت ملی. پژوهشنامه مطالعات مرزی. ش ۶. دوره ۲.
- ۱۸ - صالحی‌امیری، سیدرضا (۱۳۸۸). مدیریت منازعات قومی در ایران. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- ۱۹ - فولر، گراهام (۱۳۷۲). قبله عالم. ترجمه عباس مخیر. تهران: نشر مرکز.
- ۲۰ - فولر، گراهام، فرانکه، رندرحیم (۱۳۸۴). شیعیان عرب، مسلمانان فراموش شده. ترجمه خدیجه تبریزی. تهران: انتشارات شیعه‌شناسی.
- ۲۱ - گر، تد رابرت (۱۳۹۴). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند؟ ترجمه علی مرشدی‌زاد. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۲ - گلکار، مهدی (۱۳۸۴). مناسب‌سازی تکنیک تحلیلی SWOT. نشریه معماری و شهرسازی. س پانزدهم. ش ۴۱.
- ۲۳ - مرادیان، محسن (۱۳۸۶). تأثیر توسعه بر مسائل قومی ایران. فصلنامه آفاق امنیت. پیش ش دوم و سوم.
- ۲۴ - مقصودی، مجتبی (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران. تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۲۵ - هریسون، جفری؛ کارون، جان (۱۳۸۲). مدیریت استراتژیک. ترجمه بهروز قاسمی. تهران: انتشارات هیأت.

#### انگلیسی

- 26 - Al-Rasheed, Modawi, (2015), Saudi Arabia's Foreign Policy: Loss without Gain?, In The New Politics of Intervention of Gulf Arab States, LSE Middle East Center.
- 27 - David, Steven, (1991), Choosing Sides: Alignment and Realignment in the Third World, Baltimor, Johns Hopkins University Press.
- 28 - Dyson, Robert, (2004), Strategic development and SWOT analysis at the University of Warwick, European Journal of Operational Research.
- 29 - Matthiesen, Toby, (2015), The Other Saudis: Shiism, Dissent and Sectarianism, Cambridge Middle East Studies.
- 30 - Maoz, Zeev, (2004), Building Regional Security in the Middle East: International, Regional and Domestic Influences, London, Frank Cass.
- 31 - Obaid, Nawaf, (2014), A Saudi Arabian Defense Doctrine, Belfer Center for Science and International Affairs.

### اینترنتی

- ۳۲ - العربیه (۱۶ آپریل ۲۰۱۶). «بازخوانی اعتراض‌های عرب‌های اهواز از سال ۲۰۰۵ تا کنون». قابل بازیابی در <http://ara.tv/pcpra>
- ۳۳ - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۲۷ بهمن ۱۳۹۵). «بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی». قابل بازیابی در <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=35690>
- ۳۴ - پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری (۱۳ آبان ۱۳۸۲). «سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴». قابل بازیابی در <http://farsi.khamenei.ir/special?id=4133>
- ۳۵ - حرکت‌التحریر الوطنی الأحوازی (۱۵ مارس ۲۰۱۷). «مظاهرة حاشدة بالأحواز تندیدة بسیاسات الاحتلال الفارسی». قابل بازیابی در <http://al-ahwaz.org/arabic/?p=3325>
- ۳۶ - سازمان جیش العدل (۷ خرداد ۱۳۹۵). «تهران و دهلی شریک در غارت منابع بلوچستان». قابل بازیابی در [http://jashulad3.blogspot.com/2016/05/blog-post\\_63.html](http://jashulad3.blogspot.com/2016/05/blog-post_63.html)
- ۳۷ - کمیلی، علیرضا (۱۹ تیر ۱۳۹۴). «اهل سنت ایران و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله». مجله الکترونیکی اخوت. قابل بازیابی در <http://okhowah.com/fa/10973>
- 38 - Modell, Scott (February 16, 2017). "Iran on Notice: The Future of U.S. Policy Toward Iran", House Foreign Affairs Committee, In the: <https://foreignaffairs.house.gov>

